

تحلیلی جامعه‌شناختی بر پایبندی به شاخص‌های ایلی در قوم بختیاری

* دکتر ستار صادقی

چکیده

سیر تحولات جوامع و بویژه جامعه ایران، بیانگر آن است که جوامع از ساده به پیچیده و پیچیدگی هرچه بیشتر در حرکتند. جامعه ایران نیز با ترکیب سه نوع جامعه روستایی، عشایری و شهری، بر اثر رشد فراگیر تجدد به سمت شهری شدن در حرکت است. در این میان این سوال مطرح است که در جامعه‌ای که تا سال‌های اخیر زندگی روستایی و عشایری بخش عمده ساختار اجتماعی و فرهنگی آن را تشکیل داده، شاخص‌های ایلی و عشایری به کجا انجامیده است؟ بختیاری‌ها، تا چه حد به شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی ایل پایبند و نگرش آنها به شاخص‌های ایلی چگونه است؟ این نوشتار در پاسخ به این سوال موضوع را بر نمونه‌ای از ایل بختیاری ساکن در شهرستان‌های فارس، اردل و کوهرنگ به روش توصیفی، پیمایشی و با استفاده از پرسشنامه بررسی نموده است. برآیند کلی پژوهش نشان می‌دهد که با وجود هجوم گسترده و فراگیر تجدد در ایران و به تبع آن در ایل بختیاری، گرچه ساختار صوری زندگی عشایری بختیاری‌ها مثل کوچ نشینی و زندگی در سیاه چادرها دستخوش تغییرات عمده شده (کاهش یافته) بختیاری‌ها، هرچند نسبت به گذشته، کمتر، ولی هنوز به ساختار اجتماعی و فرهنگی خود پایبند و ابراز علاقه نموده و براساس آن زیست می‌کنند. ۹۱/۷۸ درصد پاسخگویان معتقدند که یک ایلیاتی باید به دامپروری بپردازد. حدود ۷۴ درصد کاملاً موافق، معتقدند که یک ایلیاتی باید به لباس و شیوه زندگی ایل و طایفه خود افتخار کند. یا ۷۳ درصد معتقدند زبان و گویش طایفه و ایل برایش مهم باشد. بقیه معرف‌ها هم نشان دهنده آن است که بختیاری‌ها به شاخص‌هایی که معرف ایلیاتی بودن او و بختیاری بودن اوست در حد بالا، پایبندند.

لغات کلیدی: بختیاری، ایل، پایبندی، قوم، عشایر.

مقدمه

ایران متشکل از سه نوع جامعه است: شهری، روستایی و عشایری. بررسی روند تحولات اجتماعی ایران نشان می‌دهد که همانند دیگر جوامع هر چه به گذشته بر می‌گردیم ساختار اجتماعی ایران بیشتر روستا نشینی، عشایری و کوچ روی بوده. دامداری و کشاورزی بخش‌های اصلی این زندگی بوده است. با ورود جوامع به عصر جدید، و بر اثر پیشرفت‌های بشر در تکنیک و صنعت و تحولاتی چون رشد جمعیت، رسانه‌ای شدن جوامع و شهرنشینی و پدیده‌هایی مانند آن، جوامع نیز شاهد دگرگونی‌های عمیقی بودند. بر اثر ارتباطات و تعاملات فرهنگی بین کشورها، فرهنگ‌ها و سبک زندگی‌ها نیز به سمت هم‌گرایی حرکت کردند. در این میان، سبک‌های زندگی سنتی، کم‌کم رو به زوال نهاد؛ بخصوص از جهت روستایی-شهری، شاهد کاهش شدید زندگی روستایی و عشایری و گسترش شهر و شهرنشینی و به تعبیری (ممتاز، ۱۳۸۳) شاهد شهرنشینی بیش از حد هستیم. این موضوع در نظریه‌های مربوط به جهانی شدن^۱، جهان محلی شدن^۲، تجدد و مابعد تجدد، و نظریه همگرایی^۳ و سایر نظریه‌های مرتبط با دگرگونی‌های اجتماعی و توسعه، مورد بحث قرار گرفته است. این اتفاق در کشور ما نیز روی داد. در ایران نیز گرایش به سمت شهرنشینی و زندگی مدرن گسترش پیدا کرد به گونه‌ای که شهرنشینی از روستا نشینی و عشایری سبقت گرفت و اکنون بخش عمده جامعه ما را شهر نشینان، تشکیل می‌دهد. از این لحاظ می‌توان گفت جامعه بشری در آینده یک "جامعه شهری" خواهد بود. هر چند برخی شهرها در واقع همان روستاهای گذشته هستند که بزرگ شده‌اند یا بخشی از شهرنشینان، روستاییانی هستند که به شهر مهاجرت کرده‌اند. با این حال باید توجه داشت که سبک و فرهنگ زندگی ایلی و عشایری هنوز وجود دارد و نمی‌تواند از

^۱. globalization

^۲. glocalization

^۳. convergency

زندگی اجتماعی و فرهنگی ما محو شود هرچند نوع و شیوه آن تغییر کند. به عبارتی فرهنگ عشایری ما به علل مختلف در حیات جامعه ایران تداوم یافته است.

بر اساس آخرین سرشماری رسمی عشایر کشور که توسط مرکز آمار ایران صورت گرفته است نسبت جمعیت عشایر کشور به کل جمعیت به ۱.۶۸ درصد کاهش پیدا کرده است. از نظر تعداد جمعیت و ایلات دارای جمعیت بالای ۲۰۰۰ خانوار، تعداد ایلات مهم کشور ۱۷ ایل است که عبارتند از: بختیاری، قشقایی، ایلسون (شاهسون)، ممیوند، بویراحمد سفلی، خمسه، قره‌داغ - ارسباران، بویراحمد علیا، بهمئی، ممسنی، کرد، طیبی، جلالی، جبال بارزی، ذلکی، بلوچ و افشار. (همان). بر این اساس ملاحظه می‌شود که هنوزبخش عمده حیات اجتماعی ایران، دارای ساخت ایلی و عشایری است. (مرکز آمار ایران) نکته قابل توجه در این زمینه، تعداد جمعیت عشایر کشور است با توجه به گذشته تعداد جمعیت عشایری نسبت به کل جمعیت تقریباً بالای ۴۰ درصد بود اما با گذشت زمان و رشد جمعیتی که در دهه‌های اخیر داشتیم، جمعیت عشایری طی یک نوسانی ابتدا رشد یافت و در دهه اخیر شاهد کاهش آن هستیم مثلاً از سال ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۷ روندی رو به رشد داشته است ولی در سرشماری سال ۱۳۸۷ این روند مجدداً بر عکس شده است و جمعیت عشایری به ۱.۱۸۶.۳۹۸ نفر رسیده است که با کاهش جمعیت نسبت به سال ۱۳۷۷ روبرو شده است. این امر از یک سو به برنامه‌های مختلف اسکان عشایر، تغییر ساختار اجتماعی و تمایل عشایر به اسکان و از سوی دیگر به مهاجرت و کنترل جمعیت این جامعه مربوط می‌شود. با این تفاسیل ملاحظه می‌شود که هنوز در بیشتر استانهای کشور، حیات اجتماعی ایلی و عشایری وجود دارد و بقیه استان‌ها هم چه مستقیم و چه غیر مستقیم، تحت تاثیر این شیوه زندگی قرار دارند. عمده زندگی ایلی مبتنی بر ۱-وابستگی انسان به حیوان ۲-استفاده از چراگاه طبیعی ۳-کوچ یا جابجایی انسان و دام به منظور بهره‌گیری از چراگاههای طبیعی و احتراز از سرما و گرمای شدید(نیک خلق ونوری، ۱۳: ۱۳۹۰) علاوه بر این زندگی ایلی دارای مشخصات و شاخص‌های دیگری نیز می‌باشد که بدون در نظر

گرفتن آنها نمی‌توان به تبیین درستی دست یافت. از جمله ساختار ایلی و سلسه مراتب آن (ایل-طایفه-تیره و...) که هویت ایلیاتی را مشخص می‌کند که در برخی ایلات در این خصوص تشابهات و تفاوت‌های وجود دارد. از دیگر مشخصات ایل می‌توان به وابستگی افراد به ایل. ساختار خویشاوندی عمیق، وابستگی به سنت‌ها و آداب و رسوم، همبستگی مکانیکی، عصیت شدید، ازدواج درون گروهی، ایل راه مشترک و سایر شاخص‌ها اشاره کرد. یک تیپ ایده‌آل از ایل دارای چنین مشخصاتی است که در مطالعات مربوط به ایلات به برخی از این جوانب پرداخته شده. البته باید توجه داشت که شاید یک تیپ ایده‌آل زندگی ایلی و عشایری در معنای واقعی در شهرها مشاهده نشود ولی افراد وابسته به هر ایلی، اگر نگوئیم تمام، بسیاری از شاخص‌های زندگی ایلی و وابستگی به ایل و هویت ایلی را به همراه دارند و یا ما در برخی استان‌ها (عمدتاً استان‌های غربی مثل کردستان، ایلام، چهارمحال و بختیاری، لرستان و کهگیلویه و بویراحمد، شاهد زندگی واقعی عشایر کوچنده هستیم) از این رو این مساله باقی می‌ماند: مردمان یک ایل تا چه حد به فرهنگ ایلی پایبندند؟ این پژوهش در پاسخ به سوال فوق موضوع را در میان بختیاری‌های ساکن در سه شهرستان کوهرنگ، فارسان و اردل در استان چهارمحال و بختیاری بررسی کرده است.

اهداف تحقیق

- تعیین ویژگی‌های یک جامعه ایلی در بررسی پیشینه و مطالعات و مبانی نظری ایلات و زندگی ایلی.
- شناخت ویژگی‌های ایلی و پایبندی به فرهنگ ایل در قوم بختیاری.
- اولویت‌بندی شاخص‌های تدوین‌شده بر مبنای نگرش اجتماعی مردم بختیاری.

روش‌شناسی

عموماً مطالعه در زمینه جوامع عشایری، ابتدایی و قومی در مطالعات اجتماعی به شیوه مردم‌نگاری و با استفاده از تکنیک‌های مشاهده و مصاحبه، عکس‌برداری و فیلم‌برداری

و سایر تکنیک‌های میدانی، انجام می‌گیرد. بسته به موضوع و هدف انجام تحقیق است که به مراتب از روش‌های خاص خود نیز بهره می‌برد. لذا این پژوهش دارای یک روش تلفیقی است. در مرحله اول از روش اسنادی برای مطالعه متون و نظریه‌ها و مبانی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایل و مشخصات آن می‌پردازد. از تکنیک مشاهده و مصاحبه برای تکمیل شناسایی شاخص‌ها استفاده شده است، در مرحله بعدی از روش نگرش سنجی و باانتخاب یک حجم نمونه نمایا (۳۵۰ نفر با استفاده از فرمول کوکران) ایل بختیاری ساکن در شهرستان‌های فارس، کوه‌رنگ و اردل با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته، گویه‌های مربوط به پایبندی افراد به شاخص‌های ایل مورد سنجش قرار گرفته است.

قوم لر و ایل بختیاری

منطقه وسیعی از غرب و مرکز ایران قلمرو لرهایی است که از حدود نیمه قرن ششم هجری در آن نواحی به قدرت رسیده و حکومتی تشکیل دادند که در تاریخ ایران به نام اتابکان لرستان مشهور است، اتابکان مذکور حدود سه قرن در مناطق لرنشین حکومت می‌کردند و حاکم آنها را والی لرستان می‌نامیدند. مقارن قرن چهارم هجری، لرستان عملاً به دو منطقه لركوچک و لر بزرگ تقسیم گردیده بود و دو برادر زمام امور دو قسمت را در دست داشتند (صفی نژاد، ۱۰۴: ۱۳۶۸ به نقل از مستوفی، ۱۳۶۲). حدفاصل و مرزهای حوزه قدرت هر دو قسمت لر نشین کاملاً مشخص بود و شاخه رود دز از حوالی بروجرد تا دزفول این دو طایفه را از هم مشخص می‌کند. (فرهنگ جغرافیایی ایران، ۱۳۳۰) قوم بختیاری یکی از اقوام لر محسوب می‌شود و در تقسیم‌بندی قوم لر به "لر بزرگ" و "کوچک"، لر بزرگ می‌باشد که شامل بختیاری‌ها و لرهای کهگیلویه و بویر احمد و ممسنی است. و لر کوچک شامل لرهای لرستان (بجز بختیاری‌ها) و ایلام است.

نفت مسجد سلیمان. البته می‌توان به عوامل مورد اشاره ویلسون، می‌توان به عوامل دیگری اشاره نمود: وجود جمعیت بالای کوچنده و کوچ‌رو، مسیر طولانی کوچ، جمعیت بالای بختیاری در کل کشور، مبارزه با استعمار و استبداد و آزادی‌خواهی آنان و نقشی که در تحولات اجتماعی و سیاسی ایران داشته‌اند، ادبیات، فرهنگ و تاثیرات اقتصادی این ایل از دیگر دلایل توجه به این ایل است. ایل بختیاری از جنبه‌های مختلف یک تیپ ایده آل از ایل جهت بررسی و مطالعه از جنبه‌های مختلف علمی جامعه‌شناسی مردم‌شناسی ادبیات و... است. چندان که بسیاری از اندیشمندان خارجی (مانند پیر دیگارو...) مستقیم از این ایل دیدن کردند. ویلسون به نقل از کرزون^۱ در سال ۱۸۹۰ می‌نویسد: اینکه لرها چه کسانی هستند و از کجا آمده‌اند یکی از مسایل حل نشده و لاینحل تاریخ است و به نقل از ریچ^۲ نقل می‌کند که بختیاری‌ها، کرد هستند و نیز این فرضیه را بیان می‌کند که بختیاری‌ها بازماندگان یکی از مستعمرات یونانی هستند که اسکندر در آسیا به وجود آورد. فرضیه‌ای که شباهت رقص‌های یونانی با رقص‌های بختیاری تاییدی بر آن محسوب شده است. همچنین ادعا شده بختیاری‌ها ترک، سامی یا کرد هستند و حتی گفته شده که به سبب یکسان به گوش رسیدن دو واژه باختر و بختیاری، نزد اروپاییان، خاستگاه آنان باختر بوده است. ویلسون خود اشاره می‌کند که تحقیقات اخیر روی آداب و رسوم بختیاری‌ها هیچ یک از اقوال فوق نمی‌تواند درست باشد ولی هرکدام قسمتی از واقعیت را در بر دارد. ریشه بختیاری‌ها بنا بر افسانه‌ای که عشایر خود می‌گویند، در ماجرای پسر مرداس، یعنی ضحاک نهفته است که بنا بر درخواست مردم پارس، آن سرزمین را مورد تاخت و تاز قرار داد و جمشید چهارمین پادشاه اساطیری پارس را از تخت به زیر کشید و خود به جایش نشست.... او ادامه می‌دهد بختیاری‌ها نوادگان انسان‌هایی هستند که

^۱ crzon

^۲ rich

قرار بود مغزشان خوراک مارهای دوش ضحاک شوند و با تدبیر نوکران ضحاک، آنها را به کوه‌ها فراری و مغز گوسفندان جایگزین مغز آنان شد. از این بابت خود را، بخت یار می‌دانستند. ویلسون اشاره می‌کند بنا بر افسانه دیگر، بختیاری‌ها بازماندگان مغولی بنام بختیار هستند که همراه با ترکان توران، وقتی افراسیاب، پارس را در زمان گشتاسب مورد حمله قرار داد به این سرزمین آمدند. افسانه سوم به تعبیر ویلسون معتقد است بختیاری‌ها تا زمان داریوش سوم (کودوماریوس) شهرنشین بودند در زمان حکومت داریولم که در ۳۳۶ ق ب خواجه با گواس او را بر تخت نشانند به سبب ظلم و ستم بسیاری شهر و دیار خود را رها کردند و به تپه‌های اطراف گریختند و اینان نیاکان بختیاری‌ها هستند. (ویلسون، ۳۳: ۱۳۶۹). در نظر دیگر آمده: بختیاری‌ها شاخه‌ای از الوار هستند که در تاریخ ایران به لر بزرگ مشهورند و در منطقه بختیاری کنونی سکونت دارند در عصر صفوی، نام بختیاری از کلمه بختیاروند که یکی از طوایف مهم آنجاست بر روی لر بزرگ نهاده شد (صفی نژاد، ۱۳۶۲ به نقل از امام شوشتری، ۱۳۳۱) هر چند در همان کتاب به نقل از حمدالله مستوفی، عنوان شده که منابع تاریخی در قرن هشتم از بختیاری یاد کرده است. در ادبیات فولکلوریک بختیاری‌ها دلیل پذیرفته‌تر در مورد نام بختیاری برمی‌گردد به سواران این قوم که در جنگ نادرشاه پیروز شدند به دلیل پیروزی آنان، گفتند: بخت یارشان بوده لذا به بختیاری معروف شدند. البته توضیحات دیگر هم در این خصوص وجود دارد.

حوزه جغرافیایی و تقسیم‌بندی ایلی

خاستگاه اصلی ایلی بختیاری‌بخش‌هایی از استان خوزستان، چهارمحال و بختیاری و اصفهان است. این منطقه از طرف شمال محدود است به لرستان، از شرق به اصفهان و چهارمحال و بختیاری و از جنوب به کهگیلویه و بویر احمد و ایل قشقایی. و از غرب به خوزستان. علاوه بر این استان‌ها طوایفی از بختیاری‌ها در استان لرستان (الیگودرز) استان بوشهر و برخی استان‌های جنوبی زندگی می‌کنند البته طوایفی هم به استان‌های

دیگر مثل خراسان شمالی کوچانده شده‌اند. بیلاق اصلی این ایل شهرستان‌های: کوه‌رنگ، فارسان، اردل، کیار و لردگان و قشلاق آنها خوزستان بویژه شهرستان‌های ایذه، مسجد سلیمان می‌باشد.



تصویر شماره ۱-۳ نقشه بیلاق و قشلاق

تقسیمات ایلی

ایل بختیاری به دو قسمت عمده تقسیم می‌شود: "هفت لنگ" و "چهار لنگ". چند وجه تسمیه در این رابطه وجود دارد: بنا بر روایتی، بختیار مغولی دو همسر داشت و از یکی از آنها چهار و از دیگری هفت پسر متولد شد. نام‌های چهار لنگ و هفت لنگ از این دلاوران ناشی شده است. روایت دیگر بر آن است که ایل در اصل بدون تقسیم‌بندی بوده است اما زمانی رسید که آنها به دلیل تاخت و تازی که شد به دو گروه تقسیم شدند و متعاقب جدالی که در گرفت، چهار نفر از یک گروه و هفت نفر از گروه دیگر کشته یا اسیر شدند و یا از قافله عقب ماندند و بر این اساس تقسیم‌بندی به وجود آمد (ویلسون، ۳۳: ۱۳۶۹). اما غیر از این نظر ویلسون، نظرهای دیگری نیز وجود دارد. از جمله بحث اخذ مالیات. سردار اسعد بختیاری عنوان می‌کند: از آنجا که بنیچه مالیات ایلداری از حیوانات است... در یک عهده که مالیات به بختیاری می‌بستند، بنیچه

سه مادیان به بختیاری بسته شد که هفت پا قسمت هفت لنگ و چهار پا قسمت چهار لنگ و یک پا هم تخفیف داده شده (سردار اسعد، ۱۴۲: ۱۳۶۱).

سازمان اجتماعی

یکی از ویژگی‌های سازمان اجتماعی ایلی بختیاری، وجود واحدهای متعدد اجتماعی و در هم تنیده در داخل ایلی است که درجه بسیار بالایی از گروه‌بندی عمودی، در سطوح مختلف در آن جلوه‌گر است. ساختار اجتماعی از یک سیاه چادر آغاز گشته و تا ایلی ادامه می‌یابد. بنابراین سازمان اجتماعی از کوچکترین واحد زندگی به شرح زیر است:

سیاه چادر یا مال یا بهون: (هر چادر مأوای یک خانواده‌ی بختیاری است که به آن مال نیز می‌گویند. بهون به ضم ب و ه). اولاد(هر اولاد مشتمل بر سه تا دوازده سیاه چادر یا بیشتر است که خانواده‌ی گسترده‌ای است. بجای اصطلاح اولاد، اصلاح کر و بو(کر به ضم ک به معنی پسر و بو به فتح ب و واو ساکن به معنی پدر).

تَش: (تش، مخفف آتش است. از آنجا که آتش در زندگی عشایر بویژه بختیاری‌ها مهم است هم در پخت‌وپز و هم در گردهم آمدن، معمولاً جلو هر مال یا بیشتر جلو چند مال و بهون مربوط به چند برادر، یک آتش در چاله‌ای که به همین منظور ساخته شده بود برپا می‌شد و گاهی اعضاء این مال‌ها دور آتش جمع می‌شدند و به ذکر مسائل، داستان‌ها و قصه‌ها و مباحث دیگر می‌پرداختند. اصطلاح تش که دودمانی را می‌رساند از اینجا گرفته شده. بنابراین مجموع چند اولاد، تش نامیده می‌شود. سرپرستی هر تش را فرد کاردان و فعالی از همان تَش به‌عهده دارد که به ریش سفید مشهور است.

تیره: (درطوائف مختلف بختیاری هر تیره به چند تش تقسیم می‌گردد. در کوچ‌ها، اردو‌هایی که با هم خویشاوندند به صورت واحدهای کوچنده تیره - که جمعیت هر

کدام به چند صد نفر بالغ می‌شود- گرد هم می‌آیند، بنابراین مجموع چند تش، که همگی با هم خویشاوند هستند را یک تیره می‌نامند).

طایفه: (از ترکیب تیره‌ها، طایفه به وجود می‌آید که جمعیت بزرگترین آنها (مانند: طایفه بابادی، شهنی، گندلی یا قندلی، منجری (به ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار نفر می‌رسد)).

باب: (باب یا بلوک، نتیجه‌ی ترکیب چند طایفه است. (مانند: بختیاروند، کیان ارثی، دورکی، محمود صالح) ولی هیچ نسبت خویشاوندی بین طوایف یک باب وجود ندارد و به مجموع چند طایفه که از نظر جغرافیایی نزدیک به هم زندگی کرده‌اند، باب گفته می‌شود. البته در میان عشایر بیشتر از طایفه و تیره تا رده‌های پایین‌تر استفاده می‌شود و اصطلاح باب خیلی کم کاربرد است.

شاخه: (چند باب با هم یک شاخه می‌سازند. ایل بختیاری در کل دو شاخه اصلی دارد که چهارلنگ بختیاری و هفت‌لنگ بختیاری هستند).

لباس بختیاری‌ها

می‌توان گفت که لباس و پوشش مردان و زنان ایلیاتی بخصوص در قوم بختیاری از معرف‌های فرهنگی مهم و اساسی است. هریک از لباس‌های مردان و زنان ایل خود از جنبه‌های مختلف کارکردی، فرهنگی و اجتماعی قابل تامل و بررسی است. مثلاً نوع، نحوه پوشش و استفاده از کلاه نمدی مردان، از هر جنبه دارای معانی و دارای کارکرد است یا چوخا که لباس مردان بختیاری است، خود یک فرهنگ است. (از جنبه‌های مختلف: دوخت، طرح و نقشه، رنگ‌ها، نقش گرما بخشی یا خنک‌کنندگی آن، کارکردهای آن در مراسمات، دلبستگی مردم به آن و... قابل تامل است). به طور کلی لباس مردان بختیاری شامل کلاه نمدی، چوقا(چوخا)، شال و شلوار گشاد سیاه رنگ معروف به (دبیت) و کفشی به نام گیوه است لباس زنان بختیاری شامل لچک، زیرلچک، مینا، بندسوزن، دستمال، پیراهن، شلوار قری و کفش می‌باشد. که عمدتاً

لباس‌های رو لباس‌های بلند با رنگ‌های شاد و مفرح است و به گونه‌ای گشاد و بلند است که سرتاپای زنان را می‌پوشاند. (البته در عزا همین لباس مشکی است). با توجه به تغییراتی که در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی در جامعه جدید، مشاهدات نشان می‌دهد، در پوشش و لباس بختیاری هم تغییراتی حاصل شده و کم‌کم به شکل لباس‌های معمولی همگان در می‌آید. این تغییر در لباس زنان هم دیده می‌شود و در مناطق روستایی و شهری ما، کمتر لباس بختیاری پوشیده می‌شود و عمدتاً در بین افراد کوچ رو لباس‌های بختیاری پوشیده می‌شود البته گاه در عروسی‌ها و برخی مراسمات هم لباس بختیاری پوشیده می‌شود. شاید گران بودن، شهری شدن و همچنین اشتغال در موسسات دولتی یا غیره که نیاز به لباس رسمی دارد در این امر موثر باشد. در هر صورت برای بسیاری از مردمان بختیاری، لباس بختیاری به عنوان یک معرف ایلی مطرح و دارای ارزش است. تفاسیری برای چوخای بختیاری که راه راه سیاه و سفید است وجود دارد. از جمله اینکه سفید به معنی نور و روشنایی است که به سمت بالاست و سیاه به معنی ظلمت و تاریکی و بدی است که به سمت پایین است. یعنی خوبی و پاکی بیشتر و بدی کنار گذاشته شود. که این عقیده ریشه در باورها و فرهنگ دیرین مردمان این سرزمین دارد.

اقتصاد ایلی بختیاری

همان‌طور که بیان شد، اساس زندگی ایلی مبتنی بر دام و کوچ است بنابراین اقتصاد ایلیاتی و سبک زندگی اقتصادی، مشتمل بر معرف‌های گوناگون زندگی ایلی است. و یک ایلیاتی پایبندیش را با پذیرش ویژگی‌های معیشتی ایلی به نمایش می‌گذارد. زندگی بختیاری‌های کوچ‌نشین عمدتاً مبتنی بر دامداری است و از قبل فروش گوشت و دام و مواد لبنی مازاد خود (کشک، قارا، شیر، دوغ، تیلکه=ماست چکیده) مایحتاج زندگی را خریداری می‌کند و روزگار می‌گذراند. بنابراین می‌توان اقتصاد ایلی را الگوی اقتصاد مقاومتی دانست. زیرا نوعی اقتصاد متکی به خود است. دیگر بختیاری‌های ساکن، دارای یک اقتصاد ترکیبی از زندگی روستایی و شهری است. البته در روستاهای

کوچک و بزرگ هنوز تفاوت‌هایی دیده می‌شود. زندگی در روستاهای کوچک هنوز متکی به دام و دامداری و بخشی کشاورزی خرده پاست. بخشی از درآمدها هم از طریق صنایع دستی عشایر مثل فرش، لباس بختیاری و برخی ابزار زندگی است (برخی ابزار مثل خورجین، گاله، لوازم تزئیناتی، چادر دوزی که عمدتاً از موی بز است و...) تامین می‌شود. یکی از مشکلات و زمینه‌های نگران کننده در این زمینه کاهش میزان این تولیدات به دلایل کاهش زندگی ایلی و عشایری، تامین کالاهای صنعتی و ماشینی، و عدم انتقال تجربیات ایلی به نسل جوان بویژه در میان بختیاری‌های ساکن است. در مواردی هم به صرفه نیست چون وقت و هزینه‌های زیادی صرف می‌شود و بازار یابی کم است. مثلاً بختیاری‌های ساکن به ندرت چوخا و دبیت می‌پوشند. اضافه شود که یک چوخای خوب بیش از یک ماه کار مستمر نیاز دارد و قیمت آن هم بیش از ۹۰۰ هزار تومان است. بسته به کیفیت آن حتی قیمت‌های بسیار بیشتر است. بنابر این شاخص متغیرهای لباس و افتخار به لباس قومی یک معرف اساسی برای شناخت ایل است. چون بخشی از هویت اوست.

یافته‌های تحقیق

خصوصیات عمومی بختیاری‌ها

همانطور که اشاره شد عموماً زندگی ایلی مبتنی بر دامداری، کوچ و استفاده از سیاه چادر است. از این رو کوچ نشین همواره به دنبال دام بوده و دارای یک زندگی مبتنی بر حرکت و جابجایی مکانی است. بیلاق و قشلاق ایل بختیاری عمدتاً استان چهارمحال و بختیاری و خوزستان است. کوچ، دام، ایلراه، چادر، مال، زمان کوچ، وارگه، و دیگر ساختار کوچ مانند: نگه داری دام و چرای آنها، پشم چینی، تهیه اقلام زندگی، تهیه سیاه چادر فرش و دوختن لباس و لوازم تزئینی و غیر آن، پختن نان و شیردوشی و تامین لبنیات و دیگر کارهای کوچ، عبور از رود و کوه و سخره‌ها و درکل فعالیت‌ها و کارها، معرف‌های این سبک زندگی است که درلوی آن ادبیات و

فرهنگ خود را نیز ایجاد نموده است. این ادبیات در زندگی همه بختیاری‌های ساکن و غیر ساکن ساری و جاری است. داستان‌ها و مطالبی وجود دارد که حاصل نبرد یا تعامل آنان با طبیعت و یا با دیگر اقوام بوده که خود موجب خوشی‌ها و ناخوشی‌ها در فرهنگ مردم بوده است. برای مثال در گذشته بین طوایف، گاه مشاجرات، نزاع‌هایی در می‌گرفته است. در این خصوص بین بختیاری داستان‌های شادی‌بخش و گاه غم‌انگیزی از نبرد و جنگ‌های بختیاری چه جنگ‌ها در طوایف داخلی، مثل جنگ هفت لنگ‌ها و چهار لنگ‌ها و چه جنگ با دیگر ایلات و چه جنگ‌های غرورآفرین با بیگانگان و عوامل استعمار، در بین مردم ایل، دهان به دهان می‌چرخد و اکنون در ترانه‌ها و داستان‌ها و بطور کلی فرهنگ عامیانه مردم در گردش است و به بخشی از هویت بختیاری‌ها بدل شده است. یکی از ترانه‌های ماندگار، داستان فردی بنام "هالو زال" است که بیانگر قصه دردناک دو طایفه از بختیاری‌هاست و نصایح شخصی بنام هالو زال، (هالو در گویش بختیاری به معنی دایی است) کارگر نمی‌افتد. و در نهایت به مرگ چند نفر در یک عروسی منتهی می‌شود که داستان آن در اشعار بختیاری‌ها همواره بیان می‌شود یا داستان شهید علی مردان خان بختیاری یکی از قهرمانان بختیاری در مبارزه با استبداد رضا خانی که منجر به اعدام و شهادت او می‌شود دهان به دهان و در ترانه‌ها سروده می‌شود. یا داستان حفر چاه نفت و حضور انگلیسی‌ها و برخورد بختیاری‌ها با فرهنگ آنان در فرهنگ و ترانه‌ها بیان می‌شود.

از طرف دیگر پایبندی به مذهب و شعائر دینی و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی، روحیه نشاط، جنگاوری، قهرمانی، کار و تلاش، اسب سواری، آشنایی با محیط و آب و هوا، مهمان‌نوازی، بخشش، احترام به ایل و نشان‌های آن، احترام به بزرگان و ریش‌سفیدان و ارزش مادر و خانواده در بین بختیاری‌ها، از جایگاه خاصی برخوردار

^۱ سراینده برخی ترانه‌ها و داستان‌ها، مرحوم داراب افسر بختیاری و خواننده محبوب بختیاری‌ها که بسیاری از داستانها و حتی شیوه زندگی و قهرمانی‌ها را خواننده، استاد آواز بختیاری مرحوم مسعود بختیاری بود که از جایگاه بالایی در میان آنان برخوردار است.

است. شعر خوانی، شاهنامه خوانی، برگزاری سنگین مراسمات اجتماعی و مذهبی، نشست‌های فامیلی و پایبندی به آداب و رسوم و نشست‌های بزرگان برای تنظیم مقررات و قواعد برای مراسمات مختلف شادی و عزای مردم، از جمله معرف‌های ایل و سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی است. از جنبه جامعه‌پذیری افراد در ایل پذیرش قواعد و مقررات بزرگان طوایف است. یکی دیگر از معرف‌هایی که می‌توان به عنوان یک شاخص در قوم بختیاری بیان کرد، این است که بسیاری از وقایع تلخ و شیرین قوم در اشعار و ترانه‌ها آمده است و بختیاری‌ها می‌توانند حداقلی از ترانه‌های خود را با آهنگ خاص و مرتبطش بخوانند. و این خوانندگی را می‌توان در کار، بیکاری، اوقات فراغت و در بسیاری از اوقات ملاحظه کرد. به نحوی که می‌توان یک بختیاری را با خوانندگی ترانه‌های خود تشخیص داد. خوانندگی، آشنایی با هویت ایلی که در بختیاری با سوال "چه کسی؟" یعنی اهل کدام طایفه هستی، و شناخت ایلی و لهجه آنان می‌توان مشخص نمود. احیاگر موسیقی و ترانه‌های بختیاری، استاد مسعود **بختیاری (علاءالدین)** بوده است. ایشان تقریباً تمام ترانه‌ها و داستانهایی که به زبان شعر بوده یا خود به زبان شعر درآورده، خوانندگی کرده است به نحوی که ترانه‌های او بیانگر زندگی این مردمان است و ترانه‌هایش مثل خون در تمام رگ‌های حیات اجتماعی قوم بختیاری جاری است و همگان آن را می‌خوانند، بنابراین ایشان در زنده کردن ترانه‌های بختیاری‌ها، داستان‌ها و آهنگ‌های موسیقی بختیاری‌ها و شکل دادن به ترانه‌های بختیاری نقش ارزنده و اساسی داشته نقش او آنقدر مهم است که می‌توان یک همایش خاص ایشان برگزار نمود، در هر صورت ایشان با سرودن و خواندن و آهنگ‌سازی براساس هویت بختیاری‌ها به تکمیل اضلاع هویتی بختیاری‌ها پرداخت. زیرا تقریباً زندگی یک بختیاری با موسیقی و ترانه‌هایش آمیخته است. درکل نتایج‌بخش کیفی نشان داد که با وجود مواجهه جدی جامعه با تجدد، افزایش تحصیلات و روی آوردن به مشاغل جدید و دیگر اثرات تجدد(بخش‌های صوری زندگی ایلی مثل کوچ و دامداری، دستخوش تغییر شده است. اکنون بسیاری از آنان از

کوچ و سختی‌های آن خسته و یا این سبک زندگی را به صرفه ندانسته، از این رو کوچ نشینی به شدت کاهش یافته و بخشی هم که کوچ می‌کنند، دام‌های خود را با ماشین منتقل می‌کنند، کوچ همه جانبه با آن گستردگی صورت نمی‌پذیرد و می‌رود که کوچ نشینی به پایان برسد. از طرف دیگر تجدد بر اشکال و سبک صوری زندگی بختیاری‌ها مثل آداب و رسوم، جشن‌ها، عزاداری‌ها، پوشش، چادرنشینی، خانه‌سازی شغل و مانند آن اثر گذاشته و دچار تغییر نموده است و پرداختن به تغییرات هر عنصر از این زندگی نیازمند پژوهش‌های عمیق است. این تغییرات حتی در ادبیات و فرهنگ عامه، حالت نوستالژیک بخود گرفته است. این اثرات صوری، بخصوص در پوشش و تغییرات لباس آنان قابل مشاهده است. هرچند هنوز وابستگی‌های ذهنی عمیقی به فرهنگ خود دارند. بخش‌هایی از این وابستگی و پابندی در بخش پیمایشی مورد اشاره قرار می‌گیرد.

نتایج بخش پیمایش

همانطور که بیان شد، بعد از انجام مطالعه کیفی، گویه‌ها و شاخص‌های مورد نظر جهت بررسی پابندی به زندگی ایلی استخراج شد و سپس با استفاده از نگرش سنجی در میان نمونه‌ای از ایل بختیاری (۳۵۲ نفر) میزان پابندی به معرف‌های ایلی مورد بررسی قرار گرفت.

آمار و نتیجه توصیفی نمونه مورد مطالعه

نمونه مورد مطالعه، ۳۵۲ نفر، شامل: ۱۰۸ زن و ۲۴۴ مرد بوده که ۳۸/۶ درصد آنان زیر ۲۰ سال، ۴۸/۳ درصد آنان ۲۰ تا ۴۹ سال و بقیه ۵۰ سال و بیشتر داشتند. ۱۵/۳ درصد ذکر کرده‌اند هنوز کوچ می‌کنند. ۴/۸ درصد گفته‌اند برخی اعضای خانواده آنان در حال کوچ‌اند. از لحاظ شغلی در گروه‌های دامدار و کشاورز، کارمند بیکار قرار می‌گرفتند. تنها ۶/۵ درصد زندگی خود را مرفه دانستند. حدود ۹۰ درصد در پاسخ سوال: چه کسی؟ ایل و طایفه یا هویت رده‌های خود را می‌شناختند.

جدول ش ۱- توزیع درصد پاسخگویان بر حسب شاخص اقتصادی

| سوالات | | کاملاً مخالف | مخالف | بی‌نظر | موافق | کاملاً موافق |
|---------|--|--------------|-------|--------|-------|--------------|
| اقتصادی | ۱- به دامداری و پرورش دام پردازد | ۱/۱ | ۲ | ۴/۸ | ۳۰/۴ | ۶۱/۷۴ |
| | ۲- به کشاورزی و تولید کشاورزی پردازد | ۱/۱ | ۳/۷ | ۵/۷ | ۳۵/۷ | ۵۳/۷ |
| | ۳- در تامین نیازهای زندگی خودکفا باشد(تولید گوشت و ..) | ۱/۹ | ۲/۸ | ۸ | ۲۹/۵ | ۵۸/۸ |
| | ۴- در تامین گوشت و دام کشور تلاش کند | ۶ | ۲ | ۸ | ۳۵/۲ | ۵۴/۳ |
| | ۵- با داشته‌های خود بسازد و دست پیش دیگران دراز نکند | ۳/۴ | ۴ | ۷/۷ | ۳۰/۱ | ۵۴/۸ |
| | ۶- مردخانه نباید بیکار باشد باید به کاری مشغول باشد. | ۱/۱ | ۲/۶ | ۲/۶ | ۲۰/۵ | ۶۸/۲ |

تمام معرف‌های انتخاب شده جهت تحلیل و تعیین پایبندی به ایل بر اساس پیشینه نظری، مشاهدات و مصاحبه کیفی در جامعه مورد مطالعه (ایل بختیاری) استخراج شده و در شاخص‌های اقتصادی، خویشاوندی، مذهبی، اجتماعی، فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در جدول فوق ۶ گویه جهت شاخص اقتصادی انتخاب شدند که آمار توصیفی آن نشان می‌دهد که بیشتر پاسخگویان با ابعاد اقتصادی کاملاً موافق و موافق بوده‌اند. با این حال در بعد اقتصادی بیشترین توافق در حد کاملاً موافق و موافق مربوط به گویه ۱ است. حدود ۹۲ درصد معتقدند، ایلیاتی باید به دامداری و کشاورزی پردازند. بقیه گویه‌ها نیز وضعیت بسیار مناسبی دارند. تولید کشاورزی، خودکفایی، تامین گوشت کشور و بیکار نبودن و دست پیش دیگران دراز نکردن همه مورد تاکید بوده‌اند.

جدول ۲- توزیع درصد پاسخگویان بر حسب شاخص خوشاوندی

| کاملاً موافق | موافق | بی‌نظر | مخالف | کاملاً مخالف | | سوالات | |
|-----------------|-------|--------|-------|--------------|-------|--|------|
| | | | | کاملاً مخالف | مخالف | سوال | ردیف |
| ۵۹/۷ | ۲۴/۷ | ۸/۸ | ۲/۳ | ۴/۵ | ۱/۱ | به هنگام ازدواج نظر بزرگان برایش مهم باشد. | ۱- |
| ۴۹/۴ | ۲۸/۷ | ۱۰/۵ | ۵/۷ | ۵/۷ | ۱/۱ | همسر خود را از میان طوایف آشنا و فامیل انتخاب کند. | ۲- |
| ۶۲/۵ | ۲۵/۹ | ۷/۷ | ۲/۸ | ۱/۱ | ۱/۱ | به دید و بازدید از اقوام و وابستگان پردازد. | ۳- |
| ۶۱/۹ | ۲۵/۶ | ۵/۷ | ۳/۱ | ۳/۷ | ۱/۱ | زندگی با پدر و مادر در کنار طایفه‌اش برایش مهم باشد. | ۴- |
| ۶۶/۸ | ۲۶/۴ | ۵/۱ | ۱/۶ | ۱/۱ | ۱/۱ | از بزرگان (پیرمردان و پیرزنان) مواظبت کند. | ۵- |
| ۶۱/۴ | ۳۰/۱ | ۷/۴ | ۱/۶ | ۱/۶ | ۱/۶ | به فقیران و نیازمندان طایفه‌اش کمک کند. | ۶- |
| ۶۶/۲ | - | ۲۱ | - | ۱/۷ | ۱/۷ | به ازدواج به موقع فرزندان خانواده، توجه نماید. | ۷- |
| ۶۳/۴ | ۲۴/۷ | ۹/۱ | ۲/۳ | ۶ | ۶ | با خدا بودن در ازدواج برایش خیلی مهم است. | ۸- |

شاخص خوشاوندی را به دلیل اهمیت ویژه‌اش در ایل، از معرف‌های اجتماعی و فرهنگی جدا شد. همانطور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود ۸ معرف انتخاب شده و در حد کاملاً موافق و موافق مورد تأیید پاسخگویان قرار گرفتند. مواظبت از بزرگان، توجه به ازدواج به موقع فرزندان و دیدوبازدیدها و خلاصه همه گویه‌ها مورد تأکید بوده‌اند. ملاحظه کلی نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی درون قومی در حد بسیار بالایی است.

جدول شماره ۳- توزیع پاسخ‌ها بر حسب پابندی به گویه‌های اجتماعی-فرهنگی

| کاملاً موافق | موافق | بی‌نظر | مخالف | کاملاً مخالف | | سوالات | |
|-----------------|-------|--------|-------|--------------|-------|---------------------------------------|------|
| | | | | کاملاً مخالف | مخالف | سوال | ردیف |
| ۵۸/۸ | ۲۷/۳ | ۱۲/۲ | ۱/۹ | ۲/۸ | ۱/۱ | به آداب و رسوم پدران خود پایبند باشد. | ۱- |
| ۶۴/۲ | ۲۸/۱ | ۶ | ۱/۶ | ۱/۱ | ۱/۱ | با دیگران به مهربانی برخورد کند. | ۲- |
| ۶۸/۵ | ۲۴/۷ | ۶/۳ | - | ۱/۶ | ۱/۶ | میهمان برایش عزیز است (میهمان نواز) | ۳- |
| ۶۲/۸ | ۲۹/۳ | ۷/۴ | - | ۱/۶ | ۱/۶ | در مشکلات به یاری دیگران برود. | ۴- |

| | | | | | | |
|------|------|------|-----|-----|--|-----|
| ۶۰/۸ | ۳۰/۷ | ۸/۵ | - | - | در نزاع‌ها و جنگ‌های قومی اهل صلح و اصلاح است. | ۵- |
| ۵۸ | ۲۹/۸ | ۱۱/۱ | ۱/۱ | - | به هنگام کوچ با دیگر خانوارها هماهنگ است. | ۶- |
| ۶۵/۱ | ۲۵/۹ | ۸/۸ | ۳/۳ | - | در شادی و عزای دیگران مشارکت می‌کند. | ۷- |
| ۷۳/۹ | ۲۰/۲ | ۵/۴ | - | ۶/۶ | به لباس و شیوه زندگی طایفه و ایل خود افتخار می‌کند. | ۸- |
| ۷۲/۷ | ۲۰/۲ | ۵/۷ | ۹/۹ | ۶/۶ | زبان و گویش طایفه و ایل برایش مهم است. | ۹- |
| ۶۸/۸ | ۲۴/۱ | ۶/۳ | ۳/۳ | ۶/۶ | ایل و طایفه خود را می‌شناسد. | ۱۰- |
| ۶۵/۳ | ۲۵/۶ | ۸/۲ | ۳/۳ | ۶/۶ | مسیر کوچ و ایل راه خود را می‌شناسد. | ۱۱- |
| ۶۴/۲ | ۲۵/۳ | ۹/۹ | ۶/۶ | - | نحوه و فنون کوچ و چادرزدن آشناست. | ۱۲- |
| ۶۳/۹ | ۲۴/۷ | ۸/۵ | ۲/۳ | ۶/۶ | با گیاهان دارویی و خوراکی در مسیر ایل آشنایی داشته باشد. | ۱۳- |
| ۶۸/۸ | ۲۳ | ۸/۲ | - | - | حفظ طبیعت و محیط زیست برایش مهم باشد. | ۱۴- |
| ۶۶/۸ | ۲۶/۴ | ۶/۳ | ۶/۶ | - | به ایل و فرهنگ ایل خود افتخار کند. | ۱۵- |
| ۷۰/۷ | ۲۱/۶ | ۶/۳ | ۱/۴ | - | برای فرهنگ ایل خود ارزش قائل است؟ | ۱۶- |

با توجه به در هم تنیدگی شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی، در این پژوهش نیز این شاخص بصورت ترکیبی مورد بررسی قرار گرفت. مشاهده کلی جدول فوق نشان می‌دهد که بیشتر پاسخ‌ها به سمت موافق و کاملاً موافق، میل نموده است. به عبارتی همانند دیگر گویه‌های ایل، تمامی معرف‌های اجتماعی و فرهنگی مورد بررسی برای ایل، توسط نمونه مورد مطالعه درحد بالا مورد تاکید و تائید قرار گرفته‌اند. حدود ۷۴ درصد درحد کاملاً موافق، معتقدند که یک ایلیاتی باید به لباس و شیوه زندگی ایل و طایفه خود افتخار کند. یا ۷۳ درصد معتقدند زبان و گویش طایفه و ایل برایش مهم

باشد. بقیه معرف‌ها هم وضعیت بسیار بالایی دارند. همچنین ۸۶ درصد درحد زیاد و بسیار زیاد آمادگی دفاع از مملکت را دارند، ۳۸ درصد اعلام کرده‌اند یکی از اعضای خانواده‌شان در جنگ حضور داشته است.

آزمون فرضیه‌ها

همانگونه که در قسمت اهداف پژوهش اشاره شد، هدف اساسی این پژوهش شناسایی مهمترین ملاک‌ها و معیارهای ایل و پایداری بختیاری‌ها به آن است. که بر این اساس بخشی از اطلاعات مربوط به این هدف در قسمت مطالعه کیفی ایل بختیاری و بخشی نیز در قسمت پیمایش، مشخص شد. بطور کلی در رتبه‌بندی شاخص‌ها به لحاظ اهمیت شاخص در پایداری ایلی، شاخص اجتماعی-فرهنگی در اولویت قرار گرفت. و در این شاخص، پایداری به فرهنگ و لباس و زبان قوم و افتخار به آن از اهمیت بیشتری برخوردار بود.

فرضیه: پایداری افراد به ایل بر حسب سن پاسخگویان متفاوت است.

جدول شماره ۵ مربوط به آزمون تفاوت شاخص‌ها بر حسب سن پاسخگویان

| شاخص | سن | میانگین | درجه آزادی | مقدار آزمون F | سطح معنی‌داری |
|-----------------|--------|---------|------------|---------------|---------------|
| اقتصادی | زیر ۲۰ | ۴/۳۹ | ۳۵۱ | /۲۸۳ | /۷۵ |
| | ۲۰-۴۹ | ۴/۴۴ | | | |
| | +۵۰ | ۴/۴۱ | | | |
| خویشاوندی | زیر ۲۰ | ۴/۳۸ | ۳۵۱ | /۷۴۷ | /۴۷۴ |
| | ۲۰-۴۹ | ۴/۴۳ | | | |
| | +۵۰ | ۴/۵۰ | | | |
| مذهبی | زیر ۲۰ | ۴/۳۳ | ۳۵۱ | /۱۳۴ | /۲۶ |
| | ۲۰-۴۹ | ۴/۲۸ | | | |
| | +۵۰ | ۴/۴۹ | | | |
| اجتماعی- فرهنگی | زیر ۲۰ | ۴/۵۰ | ۳۵۱ | ۳/۳۳ | /۰۳۷ |
| | ۲۰-۴۹ | ۴/۶۲ | | | |
| | +۵۰ | ۴/۴۶ | | | |

در جدول فوق کلیه معرف‌هایی که نمایانگر یک ایل و هویت ایلی است و دربخش مطالعه کیفی و نظری جمع‌آوری شده بودند در ۴ شاخص اصلی (اقتصادی، خویشاوندی، مذهبی، اجتماعی-فرهنگی) جمع‌بندی و تفکیک شدند و سپس تفاوت نگرش نمونه‌ای از ایل بختیاری در خصوص پایبندی یک ایلیاتی به آنها بر حسب سن پاسخگویان سنجش شده است. همانگونه که ملاحظه می‌شود بر حسب نگرش پاسخگویان، میانگین پایبندی یک ایلیاتی در همه شاخص‌ها بالاتر از میانگین آزمون است. (بالاتر از ۳) به عبارتی بختیاری‌ها یک فرد ایلی را فردی می‌دانند که پایبندی به همه معرف‌های اقتصادی، خویشاوندی، مذهبی، اجتماعی-فرهنگی و انقلابی در حد بالا داشته باشد. با این وجود میانگین شاخص اجتماعی فرهنگی بالاتر بود. آنالیز واریانس (F) نشان می‌دهد که این نگرش نسبت به شاخص‌های اقتصادی، خویشاوندی، بر حسب سن آنها متفاوت نبوده است به عبارتی همه گروه‌های سنی در شاخص‌های فوق دیدگاه یکسانی داشته‌اند، ولی نسبت به شاخص اجتماعی-فرهنگی بر حسب سن آنها متفاوت بوده است. (سطح معنی‌داری برابر ۰/۰۳۷). مشاهده میانگین‌ها نشان داد که گروه سنی ۲۰-۴۹ ساله (میانگین نمره ۴/۶۲) پایبندی به ابعاد اجتماعی-فرهنگی ایل را در اولویت قرار داده‌اند. ضمن اینکه مثل بقیه سنین پایبندی به دیگر شاخص‌ها را هم مهم دانسته‌اند. بنابراین بر اساس نگرش بختیاری‌ها یک ایلیاتی در همه شاخص‌های انتخابی (اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، خویشاوندی، مذهبی) وضعیت بسیار مطلوبی داشته باشد به عبارتی به کلیه معرف‌ها پایبند باشد.

فرضیه: میزان پایبندی ایلی بر حسب جنسیت پاسخگویان متفاوت است.

جدول شماره ۶ آزمون تفاوت شاخص‌های بر حسب جنسیت

| شاخص | جنسیت | میانگین | درجه آزادی | مقدار آزمون F | سطح معنی‌داری |
|-----------|-------|---------|------------|---------------|---------------|
| اقتصادی | مرد | ۴/۴۳ | ۳۵۰ | /۶۳ | /۵۲۸ |
| | زن | ۴/۳۹ | | | |
| خویشاوندی | مرد | ۴/۴۴ | ۳۵۰ | /۶۶ | /۵۰۴ |
| | زن | ۴/۴۰ | | | |
| مذهبی | مرد | ۴/۲۹ | | -۱/۱۸ | |

| | | | | | |
|------|------|-----|------|-----|-----------------|
| ۲۳۵ | | ۳۵۰ | ۴/۴۱ | زن | |
| | | | ۴/۶۰ | مرد | اجتماعی- فرهنگی |
| ۱۰۱۸ | ۲/۳۷ | ۳۵۰ | ۴/۴۶ | زن | |

در جدول فوق کل شاخص‌های جمع‌بندی شده (اقتصادی، خویشاوندی، مذهبی، اجتماعی- فرهنگی) بر حسب جنسیت پاسخگویان توسط آزمون تی مستقل، آزمون شده است. مشاهده میانگین‌ها نشان می‌دهد که میانگین نگرش پاسخگویان بالاتر از ۴ و بنابراین بالاتر از میانگین مقیاس (میانگین مقیاس یا متوسط ۳) بوده است. لذا نشان می‌دهد که از نظر پاسخگویان یک فرد ایلیاتی و یک ایل نمونه باید پابندیش به همه شاخص‌های فوق بالا باشد. آزمون تفاوت میانگین‌ها بر حسب جنسیت توسط آزمون تی انجام شده که نشان می‌دهد، نگرش پاسخگویان در شاخص‌های، اقتصادی، خویشاوندی، مذهبی متفاوت نبوده است. و تنها در شاخص اجتماعی فرهنگی میانگین نگرش مردان (۴/۶۰) بالاتر از میانگین نگرش زنان بوده و این تفاوت معنی‌دار بوده است. (سطح معنی‌داری ۰/۰۱۸) به عبارتی مردان و زنان با آنکه نگرش بالایی نسبت به پابندی ایلیاتی به همه شاخص‌ها دارند ولی مردان از زنان در بعد اجتماعی- فرهنگی نگرش بالاتری دارند. یعنی مردان بیشتر از زنان معتقدند که یک ایلیاتی باید به این بعد پابند باشد.

فرضیه: پابندی ایلی بر اساس نگرش پاسخگویان بر حسب تحصیلات آنان متفاوت است.

جدول شماره ۷ آزمون تفاوت شاخص‌ها بر حسب تحصیلات پاسخگویان

| شاخص | تحصیلات | میانگین | درجه آزادی | مقدار آزمون F | سطح معنی‌داری |
|-----------|-------------------|---------|------------|---------------|---------------|
| اقتصادی | بی سواد | ۴/۴۹ | | ۴/۳۱ | ۰/۳۱ |
| | زیردیپلم | ۴/۴۳ | | | |
| | دیپلم و کاردانی | ۴/۴۲ | | | |
| | کارشناسی و بالاتر | ۴/۴۲ | | | |
| خویشاوندی | بی سواد | ۴/۶۳ | | ۲/۰۱۷ | |

| | | | | | |
|------|-------|-----|------|-------------------|------------------|
| /۱۱۱ | | ۳۵۱ | ۴/۴۱ | زیردیپلم | |
| | | | ۴/۳۹ | دیپلم و کاردانی | |
| | | | ۴/۳۹ | کارشناسی و بالاتر | |
| /۰۴۹ | ۲/۶۴۸ | ۳۵۱ | ۴/۵۲ | بی سواد | مذهبی |
| | | | ۴/۳۴ | زیردیپلم | |
| | | | ۴/۱۶ | دیپلم و کاردانی | |
| | | | ۴/۳۹ | کارشناسی و بالاتر | |
| /۰۴۵ | ۲/۷۱۰ | ۳۵۱ | ۴/۵۲ | بی سواد | اجتماعی - فرهنگی |
| | | | ۴/۴۴ | زیردیپلم | |
| | | | ۴/۶۰ | دیپلم و کاردانی | |
| | | | ۴/۶۱ | کارشناسی و بالاتر | |

در جدول فوق شاخص‌ها توسط آزمون تحلیل واریانس (F) جهت بررسی تفاوت پایبندی ایلی بر حسب تحصیلات پاسخگویان انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد شاخص اقتصادی، خویشاوندی بر حسب تحصیلات متفاوت نبوده است، به عبارتی همه پاسخگویان در خصوص پایبندی ایلی، در ابعاد شاخص‌های فوق دیدگاه متفاوتی ندارند. سطح معنی‌داری در هر سه شاخص بالاتر از ۰/۰۵ است. ولی در خصوص شاخص مذهبی و اجتماعی-فرهنگی دیدگاه متفاوت بوده است و سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ بوده است. مشاهده میانگین‌ها نشان داد که میانگین نگرش بی‌سوادها در شاخص مذهبی بیشتر از دیگران بوده است.

جدول شماره ۸ آزمون تفاوت شاخص‌های پایبندی ایلی بر حسب وضعیت کوچ و سکونت

| شاخص | جنسیت | میانگین | درجه آزادی | مقدار آزمون F | سطح معنی‌داری |
|-----------|-------------------|---------|------------|---------------|---------------|
| اقتصادی | در حال کوچ | ۴/۴۸ | | ۱/۰۷ | /۳۴۴ |
| | ساکن | ۴/۴ | | | |
| | کوچ بخشی از طایفه | ۴/۵۶ | | | |
| خویشاوندی | در حال کوچ | ۴/۶۷ | | ۶/۳۸۳ | /۰۰۲ |
| | ساکن | ۴/۳۷ | | | |

| | | | | | |
|------|-------|------|-------------------|-------------------|-------|
| | | ۳۵۱ | ۴/۵۳ | کوچ بخشی از طایفه | مذهبی |
| /۱۰۱ | ۲/۳۰۴ | | ۴/۵۳ | در حال کوچ | |
| | | | ۴/۲۸ | ساکن | |
| | | | ۴/۱۱ | کوچ بخشی از طایفه | |
| /۲۸۸ | ۱/۲۵۰ | ۴/۶۱ | در حال کوچ | اجتماعی - فرهنگی | |
| | | ۴/۵۳ | ساکن | | |
| | | ۴/۶۸ | کوچ بخشی از طایفه | | |

در سال‌های اخیر میزان کوچ نشینی در ایلی بختیاری به دلایل مختلفی چون: تغییر وضعیت شغلی بسیاری از کوچ‌نشینان، ادامه تحصیل فرزندان، مشکلات کوچ و مزایای یکجانشینی و دیگر مباحث، بسیار کاهش پیدا کرده است. در آینده‌ای نزدیک این شیوه زندگی به تاریخ خواهد پیوست هر چند احیای مجدد کوچ به شیوه مدرن با اهداف جدید می‌تواند راهکاری برای برخی مشکلات باشد (موثر در گردشگری ایلی) و به عنوان یک راهکار پیشنهاد می‌شود؛ با این حال نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که چهارآزمون توسط آزمون f در چهار شاخص اقتصادی، خویشاوندی، مذهبی، اجتماعی و فرهنگی انجام شده که همانطور که ملاحظه می‌شود، نگرش پاسخگویان بر حسب وضعیت کوچ یا سکونت نسبت به پایبندی ایلی در شاخص‌های اقتصادی، مذهبی، اجتماعی-فرهنگی متفاوت نیست. به عبارت دیگر پاسخگویان چه کوچ کنند چه ساکن باشند یا چه بخشی از آنها کوچ‌نشین باشند، دیدگاهشان نسبت به پایبندی ایلی در شاخص‌های فوق یکسان است. یعنی در این خصوص تفاوتی نمی‌بینند ولی دیدگاهشان در خصوص شاخص خویشاوندی متفاوت است. مشاهده میانگین‌ها در بعد خویشاوندی نشان می‌دهد که افرادی که در حال کوچ هستند، بیشتر شاخص خویشاوندی را به عنوان یک شاخص مهمتر برای ایلی معرفی می‌کنند. میانگین نگرش افراد در حال کوچ برابر ۴/۶۷، ساکن برابر ۴/۳۴ است و این تفاوت معنی‌دار است.

(سطح معنی‌داری برابر ۰/۰۰۲). در آزمون‌های دیگر سطح معنی‌داری از ۰/۰۵ بزرگتر است لذا تفاوت دیگری وجود ندارد.

فرضیه: شاخص‌های یک ایل نمونه بر اساس نگرش پاسخگویان بر حسب شغل آنان متفاوت است.

جدول شماره ۹ آزمون تفاوت شاخص‌ها بر حسب وضعیت شغلی

| شاخص | شغل | میانگین نگرش | درجه آزادی | مقدار آزمون F | سطح معنی‌داری |
|------------------|---------------|--------------|------------|---------------|---------------|
| اقتصادی | دامدار-کشاورز | ۴/۵۵ | ۳۵۱ | ۱/۳۰۳ | /۲۶۸ |
| | کارمند | ۴/۳۸ | | | |
| | آزاد | ۴/۳۸ | | | |
| | بیکار | ۴/۳۵ | | | |
| | سایر | ۴/۴۷ | | | |
| خویشاوندی | دامدار-کشاورز | ۴/۵۴ | | ۱/۶۲۱ | /۱۶۸ |
| | کارمند | ۴/۴۳ | | | |
| | آزاد | ۴/۲۹ | | | |
| | بیکار | ۴/۴۵ | | | |
| | سایر | ۴/۳۷ | | | |
| مذهبی | دامدار-کشاورز | ۴/۴۸ | | ۵/۷۳۵ | /۱۰۰۰ |
| | کارمند | ۴/۴۳ | | | |
| | آزاد | ۳/۹۲ | | | |
| | بیکار | ۴/۴۱ | | | |
| | سایر | ۴/۳۶ | | | |
| اجتماعی - فرهنگی | دامدار-کشاورز | ۴/۵۲ | ۱/۳۰۳ | /۲۶۸ | |
| | کارمند | ۴/۵۸ | | | |
| | آزاد | ۴/۵۴ | | | |
| | بیکار | ۴/۵۰ | | | |
| | سایر | ۴/۷۰ | | | |

در جدول فوق از طریق تحلیل آنالیز واریانس (آزمون F) شاخص‌های تعیین شده برای پابندی ایلی، بر حسب وضعیت شغلی پاسخگویان انجام شده، تحلیل میانگین‌ها و

نتایج آزمون F، نشان می‌دهد که میانگین نگرش پاسخگویان در شاخص‌های اقتصادی، خویشاوندی و اجتماعی-فرهنگی بر حسب شغل آنها متفاوت نبوده به عبارتی نمونه مورد مطالعه در اینکه این شاخص‌ها را در حد بالا به عنوان ملاک پایداری بدانند متفاوت نیستند و دیدگاه مشابه دارند. سطح معنی‌داری در این سه شاخص از ۰/۰۵ بزرگتر است.

مقایسه میانگین و رتبه شاخص‌ها و تحلیل عاملی معرف‌ها^۱

بر اساس آزمون kmo میزان عامل‌بندی و تشکیل مفاهیم زیربنایی دقیق و نشان داد تمام معرف‌های انتخابی برای ارزیابی پایداری، مورد تاکیدند. منتهی به دلیل اینکه اولویت‌بندی دیدگاهها معلوم شود، معرف‌ها و عوامل به ترتیب و بر حسب هر شاخص ارائه می‌شوند.

جدول شماره ۱۰ ترتیب اهمیت معرف‌های ایلی در میان شاخص‌ها

| مقدار | معرف | شاخص |
|-------|--------------------------------|-----------|
| ۰/۷۵ | پرداختن به کشاورزی و دامداری | اقتصادی |
| ۰/۷۱ | بیکار نبودن | |
| ۰/۷۰ | پرورش دام | |
| ۰/۷۰ | خودکفایی | |
| ۰/۶۸ | تأمین گوشت کشور | |
| ۰/۶۰ | با داشته‌های خود بسازد | |
| ۰/۷۷ | کمک به فقیران طایفه | خویشاوندی |
| ۰/۷۲ | مواظبت از بزرگان | |
| ۰/۷۱ | مهم بودن نظر بزرگان | |
| ۰/۶۹ | توجه به ازدواج به موقع فرزندان | |
| ۰/۶۸ | زندگی با والدین و طایفه | |
| ۰/۵۸ | انتخاب همسر از طایفه | |

^۱-factor Analyze

| | | |
|-----|---------------------------------|------------------|
| ۱۵۸ | دیدوبازدید اقوام | مذهبی |
| ۱۸۱ | انجام فرایض دینی | |
| ۱۸۰ | مشارکت در ساخت اماکن مقدس | |
| ۱۷۴ | زیارت امامان و . . | |
| ۱۷۳ | همواره توکل به خدا کردن | |
| ۱۸۰ | مسیر کوچ خود را بشناسد | اجتماعی - فرهنگی |
| ۱۷۶ | به ایل و فرهنگ خود افتخار کند | |
| ۱۷۴ | زبان و گویش ایل مهم باشد | |
| ۱۷۳ | افتخار به لباس و شیوه زندگی ایل | |
| ۱۷۳ | فنون کوچ را بداند | |
| ۱۷۰ | پایبند به آداب و رسوم ایل | |
| ۱۶۸ | مهربانی با یکدیگر | |
| ۱۶۸ | عزیز بودن میهمان | |
| ۱۶۸ | اهل صلح و سازش در ایل | |
| ۱۶۷ | به یاری دیگران شتافتن | |
| ۱۶۶ | مشارکت در شادی ایل | |

بر اساس جدول فوق ملاحظه می‌شود که بر اساس شاخص‌های مشخص شده است. نتایج نشان می‌دهد که همه معرف‌های مربوط به پایبندی به ایل دارای اهمیت‌اند. به عبارتی یک ایلیاتی باید در میان همه معرف‌های فوق نمره خوبی کسب کند. با این حال بر اساس مقایسه میانگین‌های معرف‌ها نیز، نگرش پاسخگویان در ایل بختیاری در هریخش یا شاخص، به ترتیب اولویت به ترتیب جدول فوق است.

که دربخش اقتصادی: معرف‌های پرداختن به کشاورزی و دامداری و بیکار نبودن.

دربخش مذهبی، معرف‌های توکل به خدا و زیارت ائمه.

دربخش اجتماعی و فرهنگی: معرف‌های افتخار به سبک و شیوه زندگی خود، و افتخار کردن به فرهنگ و زبان خود دربخش خویشاوندی. مواظبت از بزرگان و ریش‌سفیدان و دید و بازدید از اقوام و توجه به ازدواج فرزندان.

بنابراین بر اساس نگرش بختیاری‌ها، پایبندی به همه ابعاد اجتماعی، موارد زیر در اولویت قرار گرفته‌اند:

- ۱- به اقتصاد و دامداری پرداخته و بیکار نباشد
 - ۲- توکل به خدا و گردشگری مذهبی (زیارت ائمه اطهار (ع))
 - ۳- به فرهنگ و هویت خود، به زبان و گویش و به فرهنگ خود افتخار کند.
 - ۴- در زمینه شاخص خویشاوندی: معرف‌های: مواظبت از بزرگان قوم، دید و باز دید از اقوام و ازدواج بموقع فرزندان بیشترین میانگین را داشتند..
- دسته‌بندی آماری شاخص بر اساس رتبه و میانگین شاخص‌های مورد استفاده بر اساس تحلیل آماری (مقایسه میانگین ها *compar means*) به ترتیب زیر شاخص‌ها را رتبه‌بندی کرد.
- بر اساس مقایسه میانگین شاخص‌ها، شاخص اجتماعی و فرهنگی در تعیین پایبندی در اولویت قرار داشته و بالاتر از دیگر شاخص‌ها قرار گرفت. ترتیب شاخص‌ها و میانگین‌ها ملاحظه می‌شود.

- ۱- اجتماعی - فرهنگی و پایبندی به آداب و رسوم ایلی. با میانگین ۴/۵۵
 - ۲- خویشاوندی و داشتن همبستگی قومی. میانگین ۴/۴۲
 - ۳- اقتصادی و تامین مالی خانواده و خودکفایی در تامین لوازم زندگی میانگین ۴/۴۲
 - ۴- دینداری و پایبندی به ارزش‌های دینی: میانگین ۴/۳۲
- نکته اینجاست که تفاوت در رتبه‌بندی و تفاوت می‌گین‌ها بسیار کم بود. به معنی دیگر فاصله رتبه‌ها قابل چشم پوشی است. عبارتی همه شاخص‌ها برای تعیین پایبندی ایلی از اهمیت بالایی برخوردارند ولی شاخص اجتماعی - فرهنگی از همه مهمتر است.

جمع‌بندی

تحولات اجتماعی و جمعیتی سال‌های اخیر در ایران، بویژه در نیمه دوم قرن حاضر یا در طی ۵۰ سال اخیر، نشان می‌دهد که ساختار اجتماعی به سمت شهری شدن در

حرکت است. میزان جمعیت دربخش روستایی و عشایری بسیار کاهش یافته است. این کاهش دربخش عشایری نمود بیشتری یافته است. نسبت کوچ نشینی به دلایل مختلف بسیار کاهش یافته است از جمله این دلایل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

۱- سختی کوچ و مشکلات ایل راه. ۲- رشد شهرنشینی و تمایل افراد به مهاجرت به شهر. ۳- تمایل کوچ‌نشینان به استفاده از خدمات و امکانات شهری. ۴- رشد سوادآموزی و تمایل فرزندان به ادامه تحصیل. ۵- عدم تمایل فرزندان ایل به ادامه زندگی کوچ‌نشینی. ۶- تغییر وضعیت شغلی فرزندان به مشاغل اداری و کارمندی. ۷- به صرفه نبودن کوچ و کوچ‌نشینی.

و بسیاری از تغییرات دیگر در دوران جدید تمایل کوچ‌نشینان و فرزندان آنها را به کوچ کاهش داده است. گرچه زندگی کوچ نشینی کم رنگ شده است ولی ساختار اجتماعی و فرهنگی آن حتی با یکجانشین شدن عشایر، در بدنه اجتماعی آثار خود را بجا می‌گذارد. چندان که مردمانی که اسکان یافته‌اند، تا حد زیادی فرهنگ و آداب و رسوم خود را خواهند داشت و حتی بسیاری از آنان هویت خود را بر اساس ساختار ایلی خود می‌شناسد. برای مثال بختیاری‌ها که بیشتر در استان چهارمحال و بختیاری و خوزستان و برخی استان‌های همجوار ساکن هستند، در هر وضعیتی خود را بختیاری معرفی می‌کنند و به فرهنگ و آداب رسوم خود، با شدت و ضعف پایبندند. این وضعیت در میان ایلات دیگر مثل قشقایی، بلوچ و... نیز مشاهده می‌شود. از اینرو بخش مهمی از ساختار اجتماعی و فرهنگی ایران بررسی سابقه ایلی و عشایری همواره آثار آن را در بر خواهد داشت.

لذا همواره در تحلیل‌ها و بررسی‌ها و حتی برنامه‌ریزی‌های ملی و میهنی باید این ساختار مورد توجه قرار گیرد.

هنوز دربخش‌هایی از ایران بیش از یک میلیون نفر دارای زندگی کوچ‌نشینی و عشایری هستند و کسانی هم که اسکان یافته‌اند، بخشی از ساختار اجتماعی-فرهنگی خود را تداوم می‌بخشند. عشایر همواره در طول تاریخ ایران، خود را پایبند به فرهنگ

ملی و خرده فرهنگ در ایران دانسته‌اند و از این میهن دفاع کرده‌اند بخصوص در دوران مشروطیت حتی در بعد از انقلاب اسلامی نیز همپای دیگر هموطنان، در دفاع مقدس حضور یافته‌اند. همه این موارد نشان می‌دهد که ایل و زندگی ایلی در حیات اجتماعی ایران حضور دارد. زیرا زندگی ایلی و عشایری بخشی از تاریخ اجتماعی و فرهنگی و هویت این سرزمین محسوب می‌شود و همواره ساختار و اثرات خود را خواهد داشت؛ هر چند دستخوش تغییرات شود باز به نحوی این فرهنگ و ساختار خود را نشان خواهد داد. بدین منظور این مطالعه به منظور ارزیابی وضعیت پابندی عملی به شاخص‌های ایلی و قومی در بختیاری‌ها پرداخته است. مرور کلی بر مطالعه نشان داد که معرف‌های مورد بررسی و شاخص‌های: اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، خویشاوندی، مذهبی در نزد پاسخگویان، اعتبار و وزن بالایی در پابندی ایلی دارد. شناخت ایل، رده ایلی، هویت ایلی، داستان‌ها و ادبیات و فرهنگ ایل از یک طرف، افتخارکردن به نمادهای ایل، پذیرش آنان بصورت عینی و ذهنی، مانند تمایل به نمادهای ایل، استفاده از لهجه و فرهنگ بختیاری در زندگی روزمره، پذیرش آداب و رسوم بختیاری، حضور فعال در ایل، احترام به بزرگترها، عمل براساس آداب و رسوم قوم، مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی ایل و همسو بودن با ایل از مهمترین معرف‌های ایلی بودند که مورد توجه در پابندی ایلی قرار گرفت و بررسی نشان داد که بختیاری‌ها در مورد همه معرف‌ها پابندی دارند. تحولات، شخصیت‌ها، و انتقال دهان به دهان داستان‌ها، دلاوری‌ها و مشقات زندگی ایلی و هویت ایلی در شکل بخشی به این ساختار موثر بوده است.

از هر شاخص دو گویه اولویت دار به شرح زیر بود:

الف- شاخص اقتصادی دو گویه زیر بیشتر مورد تاکید بود: ۱- به کشاورزی و تولید از راه کشاورزی بپردازد. ۲- نباید بیکار بوده و در تامین نیازهای زندگی خودکفا باشد.

(تولید گوشت، لبنیات و پوشاک)

ب- در شاخص خویشاوندی:

۱- از بزرگان ایل و ریش سفیدان به خوبی مواظبت کند.

۲- به دید و بازدید از اقوام می‌پردازد.

ج- در شاخص مذهبی:

۱- نمونه به خدا توکل می‌کند. ۲- به زیارت ائمه اطهار و اماکن مقدس.

د- شاخص‌های اجتماعی - فرهنگی گویه‌های زیر در اولویت بودند:

۱- زبان و گویش طایفه و ایل برایش مهم باشد و به آن افتخار کند

۲- به لباس و شیوه زندگی خود افتخار کند و به ازدواج فرزندان توجه داشته باشد.

- فهرست منابع

- آشفته تهرانی، امیر (۱۳۷۸) جامعه‌شناسی ایلات و عشایر. تهران: دانشگاه پیام نور.

- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۷۵) مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، جلد اول.

- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۶۶) مقدمه‌ای بر ایل‌ها چادر نشینان و طوایف عشایری ایران، تهران.

- امام شوشتری، علی محمدتاریخ و جغرافیای خوزستان (۱۳۳۱) تهران: انتشارات امیر کبیر.

- امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۶۰)، کوچ نشینی در ایران، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب

- امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۸۳)، زوال کوچ نشینی در ایران: یکجا نشینی ایلات و عشایر،

فصلنامه مطالعات ملی، ۱۷، سال پنجم، شماره ۱.

- بلوکباشی، علی (۱۳۸۲) جامعه ایلی در ایران، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

- تروبتسکوی. و. (۱۳۵۸)، نقش قبیله‌های اسکان یافته-کوچ نشین ایران در دوران نوین،

سیروس ایزدی، تهران: انتشارات بیگوند

- رابرتسون، مارولند (۱۳۸۳) جهان- محلی شدن: زمان- مکان و همگون- ناهمگونی، ترجمه

مراد فرهادپور، نشر ارغنون، ش ۲۴.

- روح‌الامینی، محمود (۱۳۹۴) مبانی انسان‌شناسی گردشهر با چراغ، تهران.

- سازمان امور عشایر ایران (بی تا) عشایر و دولت جمهوری اسلامی ایران. اتحادیه مرکزی

تعاونی‌های عشایری ایران.

- سایت اینترنتی سازمان امور عشایر ایران. (www. ashayer. ir)
- سردار اسعد، علیقلیخان بختیاری(۱۳۶۱)تاریخ بختیاری، تهران: یساولی.
- سینایی، سید عطااله(۱۳۹۱)ایلات، طوایف و هویت ایرانی. مقاله نشریه مطالعات ملی. دوره ۱۳، شماره ۴. دانشگاه شهر کرد.
- شهبازی، عبدالله(۱۳۶۹)، مقدمه‌ای بر شناخت ایلات و عشایر، تهران: نشر نی.
- صفی نژاد، جواد(۱۳۶۸) عشایر مرکزی ایران، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- طیبی، حشمت‌الله(۱۳۷۴)مبانی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشایر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- غفاری، هیبت‌الله(۱۳۷۹): ساختارهای اجتماعی عشایر بویراحمد، تهران: نشر نی.
- فرهنگ جغرافیایی ایران(۱۳۳۰)، جلد ششم، استان خوزستان، تهران ستاد ارتش.
- ممتار، فریده(۱۳۸۳) جامعه‌شناسی شهری، تهران شرکت سهامی انتشار.
- نقیب زاده، احمد(۱۳۷۹)دولت رضا شاه و نظام ایلی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- نیک خلق، عاکبر و عسگری نوری(۱۳۹۰)زمینه جامعه‌شناسی عشایر ایران، انتشارات چاپخش.
- ویلسون، سرآرنولد(۱۳۶۹)بختیاری‌ها، نامه علوم اجتماعی، دوره جدید جلد دوم. شماره یک.
- <http://bahmei.com/wp-content/uploads/2013/04/ghom-e-lor.gif>
 - L. m. helfgot(۱۹۷۷)the tribalism as a socioeconomic formation in iranian history,iranian studies,vol nn ۱-۲.